

در هوامر و اصل سرحد سپاهیان و اترک و مغرب از سیاه و بواب و عجب بلوک و حوران
 هوا و باد های گرم و پس هوا در وقت وارد قنای ابرهای صرخ و رنگ کوردکان و در شکم
 و هلاک ستودان و غرت طعام خاصه در طرف مشرق و کثرت صفا و دم در مزاجها و قوت
 حال ضربان و صرافان و اگر در طرف شمال بود باد های سهموم جمد و تاج الدین اگر
 گوید سلامت یکا هم بنا و کشت و ابرها بود و اگر در طرف جنوب بود نیز همس گوید و طوبت
 و اندا بود و بلفه بزکان حکم بگرمی و خشکی هوا کرده اند (تفسیر) مرتجح چون در تابستان
 باین برج در اید زیاده از معهود که ما شود چنانکه مردم بشکایت در آیند و در زمستان
 اعتدال هوا بود کما اشار الیه بطلیوس و صرح المحقق الطوسی قدس سره (حلول مرتجح در
 برج سنبله) دلالت کند بر تفرقه خلافت و زحمت محترفه و کثرت اراجیف و نقصان
 تجارت و اهل بازار و بسیاری طعام و شراب و فساد کشتهها و خرابی جاهها و تغییر هوا
 و درد چشم و بیم زلزله با وجود شواهد و قراین و کثرت قتل و سفک دنیا، اکثر در زلزله
 حجاز و یمن و تعب دهاتین و اصحاب فلاحت و ترقی بعضی از اهل قلم و موت در زمان
 سیما در شیرکان و خروج خوارج و سقوط بعضی از اعزّه از درجه اعتبار و یافت بعضی
 بنانات و نکست متوفیان و وکلا و تحویل داران و فساد هوا و کثرت مکر و خدعه اکثر در
 زنان و بسیاری فسق و فجور و استعمال عورت و حدوث باران بغیر وقت و بدی نرخیها
 و سیاست عمال و کار داران در مملکت مصر و شام و اگر در جانب شمال بود اندک باران
 بود و تاج الدین اگر گوید هشتن باد های دبور و سلامت کشتهها بود و اگر در جانب
 جنوب بود بتاهی هوا بود همس گوید کثرت رجاج بود تاج اکرم گوید کراهی سخن بود در
 وقت (حلول مرتجح در برج میزان) دلالت کند بر اندوه سران سپاه و اهل سلاح و
 تفاوت نرخیها و خشکی هوا و باد ها گرم و ظهور زردان و ظهور اراجیف و حد و نقصان
 سیما در ناحیه جنوب و قتل امطار و کثرت غیوم و رجاج و ظهور شر و فساد و قتل در
 میان مردم و بسیاری موت و ظلم حکام و فسق و فجور و اخذ حرام و ناسازی زنان با
 مردان یافت در زرع و ظاهر شدن اشیاء مکتومه و منفعت کبر و عطا از بلوک و قتل

مخواب مرتجح

در مرتجح

در شرح دوازده گانه

یکی از سلاطین و توانگران و فروع فتنها و حرارت هوا و جستن بارهای گرم در وقت و
 خوف و نقصان از لشکریان در خصم اسعار در شهرها و بسیاری حرب و فتنه در میان
 پادشاهان و خروج خوارج در آنحد و دوسر کشتکی خداوندان سلام و تغییر هوا از
 عفونت و آفت جوانان از خون شکم و اگر در جانب شمال بود باد جهید و اگر در جانب جنوب
 بود عفونت هوا باشد (حلول مریخ در برج عقرب) دلالت کند بر قوه حال لشکریان و
 اهل حرب و فتنه در اذربایجان و حرکة سپاه و قتلهای ناگاه و خصومت اترک و سپاهیان
 و کثرت دزدی و قطع طرق و غارت در براری و بوادی و اطراف بلاد مشرق و ظهور و کفر
 و شر در عالم و جنگ و جدل و عداوت و ستیزه در میان مردم و جور و ستم بر رعایا و بیگناهی
 فسق و فجور و رواج بازار اسلحه و تازه شدن خصومتهای قدیم و بیماریهای دموی و
 بسیاری در چشم سیماد در جوانان و حد و طاعون و نوبت و موت خاصه در ناحیه شمال و
 تنه شدن زراعت و اشجار و شدت برد در بهار و خزان و بارانهای قوی و وقوع شحط
 در بلاد خاصه از فساد زرع و زحمت مقعد و ممانه و حدوث جراحتها و آبادان شدن
 و نیوتات پادشاه و انعام و اکرام در حق لشکریان و اگر در جانب شمال بود خشکی هوا و شحط
 بود و اگر در جانب جنوب بود اعتدال هوا و کثرت رطوبت باشد (حلول مریخ در برج جوزا)
 دلالت کند بر قتلها و خشکی هوا و سردی در زمستان و فساد اشجار و بسیاری ادها
 خصوصاً زیت و خواست از ریت و آفتا که بر و ریخ ستور و قتال و مرگ در ولایت مغرب
 و آرمینیه و بیماری سرفه و زکام و درد چشم و کثرت اوجاع و حرارت از دم و صفرا و بیشتر
 در حوامل و وقوع و باد در دواب و ظهور مکر و خدیعه در مردم و بدخونی حکام نسبت
 بر عیت و بیدادی کردن و مرگ کوسفندان و کثرت یاب و زحمت و زراعت و قضاة و تفرقة
 لشکریان و آفت چهار پایان و بدی هوا در بهار و اکثر در سواحل و غیر سواحل و اگر
 در جانب شمال بود بادهای سخت و زرد و تاج الدین اگر مگوید هوا خوش گذرد و اگر
 در جانب جنوب بود بسیاری سفر و تغییر اشیاء باشد و تجارت فواید و منافع بسیار یابند
 (حلول مریخ در برج جدک) دلالت کند بر اعتدال هوا و غلبه خشکی و علت و قوت سیوها

در شرح دوازده گانه

در شرح دوازده گانه

در شرح دوازده گانه

و غزوات حرب و محوم و رسوم و اذیت کوسفندان کوهی و نقصان کشت و زرع و رحمت
 زارعان و رعایا و لشکریان و غوث حاله ابر و اباب شرم فساد و بلاد و مرکز جوانان و غیر
 در زمین هند و حرب و قتال میان اهل مشرق و جنوب و فرود رفتن یکی از ملوک بزرگ و بیجا
 مشایخ و اخراجات نسبت به پادشاه و حکام و ریخ دستاها و خروج خوارج بر پادشاه
 و اگر در جانب شمال بود فساد مزاجها و بگد هوا و برف و آمدن طلع باشد و عداوت مردم
 و اگر در جانب جنوب بود تاریکی هوا باشد و بانی احوال مثل جانب شمال باشد (حلول
 مریخ در برج دلو) دلالت کند بر ملالت حکام از اشرار و فساد حال او باشد و کثرت فقی
 و فجور و زدی و خیانت و عفتونت هوا و ظهور یکی از علامات سماوی با وجود شوا
 و بیماری مزاجان و خاندهای قدیم و تفرقه صحرائشینان از لشکران و اخبار مختلف
 و قتل یا موت بزرگی و کثرت شداید و بلا یاد در بلاد مشرق بسبب استیلا یا امراض حاده
 و فتنه در ارض روم و ترک و سندن و هند و کثرت ظلم در ولایت فارس و ظفر اقلیم سابق
 بر اعداء و سفک دماء در بلاد منسوبه بدلو و قلت طعام و شرب در سواحل و مواضع
 دریا بار و کثرت آن در سایر بلاد و زیان میوهها در وقت و کمر افتادن در آن و اگر در
 جانب شمال بود پس هوا باشد و نواج الدین اگر کوید برف و بارندگی و طلع بود و اگر
 در جانب جنوب بود تاریکی هوا و کثرت ابر باشد (حلول مریخ در برج حوت) دلالت کند
 بر حرب میان کارداران ملوک و اندوه و نیست از قبل حکام و بیرون رفتن ملکان است
 فرماندهان در زوال گروهی و خواری اکار و انقطاع عظمی از مراتب خود و عزت و کرامت
 ستوران در در چشم و موت در بزرگان در جانب شمال و نقصان چشمها و نسبتا
 زنا و فسق و تغیر حال اهل دیوان و مکر و خدعه و مرض و معارف و خصومت میان
 امر و وزرا و نقصان تجارت و هبوب ریاچ و فسادها و تفریح قضاة و اهل شرع و بیجا
 از حواریت در ناحیه جنوب و مغرب و شاید که اینجانب بسبب شروع یابد و اگر در جانب
 شمال بود کثرت ریاچ نافعه بود و اگر در جانب جنوب بود کثرت امطار و ظهور طلع با
 اما کم مضرت بود (فصل چهارم در احکام مریخ در جانب مریخ) مخفی نماند

و کثرت

و کثرت

و کثرت

ملوک افغان

که چون شمس با اول هر برجی حلول کند و بعد ناظر باشد دلالت بر خیر و سلامتی و ایمنی و صلاح
 حال رعیت و شفقت یافتن ایشان از پادشاه و کثرت سعی مردم در صنایع و اگر شخصی ناظر
 باشد حکم بر ضد و عکس باشد در آن ماه (حلول اقیانوس در برج حمل) دلالت کند بر عدل
 و راستی ملوک و قوه حال فرماندهان و اعتدال هوا و بارانهای نافع و زیادتی آنها و فرج
 در خلافت و از آن اطعمه و رعد و برق و میل پادشاه بسواری و سفر و ملک گیری و تربیت
 یافتن امر و لشکران از پادشاه و رفعت قدر اهل سلاح و غلایه ذهب و فضه و ظهور
 شخصی از جانب مشرق (حلول اقیانوس در برج ثور) دلالت کند بر فساد بازارها و غارت طعام
 و تغییر هوا و بسیاری عمارتها و آمدن باران و وزیدن باد و چون باخر برج رسد رعد و برق
 و صاعقه باشد و حسن زراعت و غلات و سلامت کاه و کوسفند و بسیاری عدل و داد
 و سکونت مردم بایمنی در مساکن و اوطان و قوت یافتن در آب و خرید و فروخت ستوران
 و خوبی حال شکوفه (حلول اقیانوس در برج جوزا) دلالت کند بر کساد بازارها و بیماری
 کودکان از حصه و ابله و قوه حال ملوک و حرارت هوا و آمدن باران در مواضع مستعد
 و قوه آنها و رونق دیوانها و گذاشتن احکام و امثله سلاطین و سلامتی ارتقاغات و اشخاص
 و کثرت ارسال مکاتبات و مراسلات میان ملوک و فرماندهان و بودن راجیف و حدیث
 اخبار و موخسه و بسیاری حیل و مکر و تعمیر مواضع شریفه (حلول اقیانوس در برج سرطان)
 دلالت کند بر کثرت و عظمت پادشاه و عزت اشرف و اتفاق سفر پادشاهی و خوشحالی رعیت
 از آن و نیکی حال مسافران و خروج خوارج بر بعضی از ملوک جانب مشرق و سلامتی کشتیها
 و گرمی هوا و کثرت آنها و از زانی غلات و بسیاری منفعت صیادان و رواج کار ایشان *
 (حلول اقیانوس در برج اسد) دلالت کند بر قوت حال ملوک و فرماندهان و عدل ایشان
 نسبت بضعفاء و شدت کرنا و از زانی غلات و کرایه و قیمت طلا و مس و وقوع محاصره
 در ولایت روم و کساد بازارها و از زانی زخنها و بسیاری خیرات و غلبه خون در ابدان و
 قوه حال صرافان و ضرابان و افراط حرارت هوا و انتقال پادشاه از شهری بشهری و صلح
 احوال دواب و خوبی میوهها (حلول اقیانوس در برج سنبله) دلالت کند بر از زانی غلات و در

تجارت

جوزا

سرطان

اسد

سنبله

در نحو یک شمس بر برج

کار فضل و فساد خون در بدن از خشکی هوا و سلامتی حیوانات و ارزانی در آب و بسیار
 گشت و زرع و رغبت مردم بکس علوم و مشغولی عامه و بسیاری خوف بیم اهل قلم از
 سلاطین و رغبت خلائق با اعمال و افعال سلاطین و حسن حال تجار و بسیاری تردد
 رسولان و رسیدن اخبار خوش بدرگام پادشاه و عزت کار و کوفتند (حلول افتاب
 در برج میزان) دلالت کند بر اعتدال هوا و ارزانی بزخا و رواج بازارها و ملائت بزکا
 و فراخی طعام و فواکه و عدل ملوک و بیماری یکی از فرماندهان در نواحی مشرق و تفاوت
 نرخ آنچه بکسل و ترازد و فرود شد و یکی حال عامه و رغبت مردم بزنان و اهل طرب و بنیاد
 میوه ها و ریاجین و خوشحالی شعرا و رونق اهل بازار و افتادن کرم در بعضی نباتات *
 (حلول افتاب در برج عقرب) دلالت کند بر کثرت بارندگی و بی انصافی مردم و قوت حال
 مفسدان و عداوت میان خلائق و رفتن بارها و وقوع خصومتها و تنازعهها و شور
 شدن احوالها و بیماری و مرگ بسیار و اندکی آب چشمها و سردی هوا و بسیاری میوه ها
 و شیرینها و آمد در رفت عساکر و منزل حال حکام و جور و ستم سلاطین بر رعیت و فسق و
 فجور و بیماریها ناخوش و ظهور غیوم و نزول امطار و کثرت میاه خاصه که زهره نیز در
 این برج بود و فرود رفتن بزرگی در بلاد مغرب (حلول افتاب در برج قوس) دلالت
 کند بر جستن بعد برق و سرما و قوه حال ملوک و سلاطین و میل بزخا بگرازی و آمدن
 برنها و خون ملوک و کساد بازارها و راه یافتن کدورتها با اهل روع و تقوی و بیماریها
 و تباهی گشت غله و نا انصافی خلائق و تنیدی بازارها (حلول افتاب در برج جدی)
 دلالت کند بر عزت طعام و حطب شدت سرما و برف و جلید و رونق بازارها و غنم
 لحوم و دسوم و بیدادی سلاطین و حکام و قوه حال رؤسا و بد حال احشام و بیماری
 از سرداران و پیشوایان (حلول افتاب در برج دلو) دلالت کند بر سرما و برف و غنم
 طعام و دسوم و وقوع ظلم و حدوث زکام در میان مردم و تباهی غلات و نباتات و
 کژی آنها و بیع برده و رواج بازار در آب و بی رونقی طواغین (حلول افتاب در برج حوت)
 دلالت کند بر تغییر هوا و شکستن سرما و تیره گشتن آنها و رغبت مردم بعمارت و زراعت

کتاب

در

در

در

در

در

در احکام تحویل زهره در برج

و پیراستن باغ و بستان و کثرت بارانهای نافع و تعدد برق و تکرر در رسیدن و رفتن
 مردم بشغل و عمل و رغبت مردم بکار داری ملوک و فرماندهان و حرارت مزاج و ذرات
 (تنبیه) افتاب هر برج که تحویل میکند چون مر و بعد از سمت راس موضع واحد
 و انما بر یک نهج است و در دورات متساویه متفاوت و تغایر نیز آوازه است که احوال و
 کیفیات هوا و چگونگی بناات و نضیح و فساد هوا که و آثار و امثال آن در مراسم سال قطع
 نظر از اسباب ارضی بی تفاوت و تغایر بر یک نهج بودی اما چون وجود این سببها در جهت
 و کثرت تجربه مختلف است و آن اختلاف نیز بزیاده و نقصان متفاوت اهل این صناعت
 متفطن باین شده اند که این تفاوتها بسبب شرکت فائزات کواکب دیگر است با افتاب
 این دلالات چنانکه معلم اول در سطا طالیس در فصل پنجم از کتاب خود با بعضی اشارت کرده
 و ابو معشر در مدخل خود مفصل ایراد کرده و این احکام که در باب بطول افتاب هر برج
 از بروج ایراد شده بملاحظه تاثیرات افتاب است پس هر دو از تاثیرات کواکب دیگر
 امتزاج آن موقوف بر اسیه سلیقه و وجود حدس میباشند (فصل پنجم در احکام
 تحویل زهره از برجی برمی حلول زهره در برج حمل) دلالت کند بر آمدن بارانها
 نافع و سلامتی بناات حیوانات و اعتدال هوا و کثرت زخما و محظ در بعضی مواضع
 و هبوب رواج و حسن مزاج هوا و ملاکت خوابین و اهل طرب و نشاط در امر و لشکر با
 و بسیاری ابرو کساد با زا و بریشینه و اگر در جانب شمال بود گرمی هوا باشد و اگر در جانب
 جنوب سرهای سخت بود (حلول زهره در برج ثور) دلالت کند بر کثرت باران و
 تعدد برق و صحت زنان و مطربان و بسیاری مناکبت و مواسلت و سلامتی بناات
 حیوانات و کوبند خروج خوارج بود و تشویش در مردم و نکبت زنان پادشاه و
 تفکر و تمیز ایشان و اگر در جانب شمال بود اعتدال هوا باشد و اگر در جانب جنوب بود
 شوریدگی و اشفتگی هوا بود (حلول زهره در برج جوزا) دلالت کند بر صحت
 بیاران و نمناکی هوا و بادهای معتدل و سلامتی اشجار و آثار و نشاط خلایق و رواج
 کار دیوانیان و پیشه کاران و قوت حال اطبا و اهل تجیم و خرید و فروش البسته

در احکام تحویل زهره در برج

در احکام

در احکام

تجوید زهره در برج

و عطرات و کوبیدند و در میان اصحاب قلم و سلامتی سفاین و اگر در جانب شمال بود بادها جهد و اگر در جانب جنوب بود خشکی هوا در برج دهره بود (حلول زهره در برج سرطان) دلالت کند بر ارتفاع ابرهای تیره و خشکی و سلامتی کشتهها و آمدن مسافران در یازده مکان باران و در بعضی مواضع افشا شکار و زیادتی آنها و بسیاری حیوانات آبی و جستن بادها و اگر در جانب شمال باشد شدت کربا بود و اگر در جانب جنوب باشد مثل شمال بود (حلول زهره در برج اسد) دلالت کند بر اعتدال هوا و کثرت نشاط در خلائق خاصه پادشاهان و حدوث جدوی و گرمی و رسیدگی هوا و قوت حال خواتین و رونق بازارها و اگر در جانب شمال بود کربا سخت و هبوب ریاخ بود و اگر در جانب جنوب بود هرس کوبد فساد هوا باشد و عید اجلیل سنجر و حاسب یکی حسن مزاج هو افقه (حلول زهره در برج سنبله) دلالت کند بر نیکی حال بنیانات و بسیاری زراعت و تنبلی خلائق و تفرقه زنان و خادمان و کساد بازار مطربان و عشرت و نشاط کاتبان و نقاشان و فساد کشتهها و بادهای مختلف و ارزانی و فراوانی نعمت و اندوه زنان و مطربان و اگر در جانب شمال بود اعتدال هوا باشد و اگر در جانب جنوب بود هم چنان باشد (حلول زهره در برج میزان) دلالت کند بر نیکی حال مردم و تندرستی خلائق و رغبت مردم بنشاط و صحبت زنان اجنبیه و میل هوا برودت و حدوث باران و قوه حال اهل طرب و خواتین و بسیاری میوه و ریاحین و خوشحالی مغنیان و موت یکی از اهل حرم پادشاه و خوشی در میان طائفه عرب و اگر در جانب شمال بود اعتدال هوا باشد و سنجر کوبد کوبد بادها خنک جهد و هرس کوبد خشکی هوا بود و اگر در جانب جنوب بود حکم همان بود و سنجر یکی کوبید بیماری بسیار بود و هرس کوبد حصه غارض شود (حلول زهره در برج عقرب) دلالت کند بر اندوه زنان و مردان و خصوصت ازواج و رونق شرابداران و کثرت فسق و مجنور و میل هوا بر سردی و نزول بارانهای منفعت و وزیدن بادها و اگر در جانب شمال بود خشکی هوا باشد (حلول زهره در برج قوس) دلالت کند بر بارندگی بی نفع و خشکی هوا و سلامتی ستوران و تغییر حال مردمان و

نکته

نکته

نکته

نکته

نکته

نکته

کوبید

تحويل عطار در بروج

و گویند بادها خوش و زرد و هوای پل بر طوبیت باشد و اگر در جانب شمال بود باد متصل
 باشد و اگر در جانب جنوب بود کثرت رطوبت و اشفتگی و غلظت هوا باشد (حلول
 زهره در برج جد) دلالت کند بر فساد کشتهها و شدت سرما و عزت طعام و انواع بیابا
 در زنان و جستن بادها و بارندگی و حدوث و باد در بعضی مواضع و اگر در جانب شمال باشد
 جستن بادها باشد و اگر در جانب جنوب بود بسیاری باران (حلول زهره در برج دلو)
 دلالت کند بر قوه حال مردم سال خورده و حکما و فسق زنان و ناسازگاری ازواج و کثرت
 نشاط در پیران و ابرها و بارهای معتدل و بارانهای نافع و اگر در جانب شمال بود قحط
 و قلت باران باشد و اگر جنوبی بود هر مس گوید کثرت غم و سحاب بود و نجوم قیمت کبر و سحر
 گوید بسیاری ایها باشد و بارانها بارند و چشمها روان شود مکی گوید کثرت هموم بود (حلول
 زهره در برج حوت) دلالت کند بر قوه حال خواتین و اهل طرب و میل علما و اشراف بر زنان و
 اهل نشاط و بارانهای نافع و حرکت کشتهها و افراط رطوبت و حسن مزاج هوا و اگر در جانب
 شمال بود قوا تر و هبوب رواج باشد و اگر در جانب جنوب بود باران بسیار آید و حالت
 مکی گوید نکت قوادع سناک و شرفا باشد (فصل ششم در احکام تحويل عطار در
 بروج) انتقال عطار در بروج برچی باعث تغییر و تبدیل کیفیات هواست چنانکه اکثر
 از اکابر تصریح کرده اند قال امام هذه الصناعة ابو الحسن کوشیار بن لبان الجیلی عطا
 عطار و خاصه اذا انتقل من برج الى برج احدث في الهواء بحسب لك الزمان حركة و هو اذا ابطأ
 حيث كان هيج عينا عظيما و ظلما في الجوفان كان عندك لك القمر و الزهره في برج الامطار كان
 التغيير شد و الامطار ادرم و ايضا قال الحكيم الفاضل الراصد الكامل محي الدين يحيى بن محمد
 بن ابي الشكر المغربي اذا انتقل عطار من برج الى برج احدث في الهواء حركة بحسب لك الزمان
 و اذا ابطأ في السير طبع الغيم و الظلمة في الجوفان يكون القمر و الزهره في بروج الامطار
 كان التغيير في الجو اشد و الامطار في اوانها ادرم و بروج الامطار اشد و لو و سرطانا
 و عقرب و حوت و اقوى انها اشد و باقى بر ترتيب چنانکه در تبيينات مجت
 اجتماع و استقبال مذکور شده (حلول عطار در بروج حمل) دلالت کند بر جستن

در بروج

در بروج

در بروج

تحويل عطار

در بروج

مخوبای عظام

بادها و رعد و برق و ضباب و ابرهای تیره و ارجیف متلون و قلت ماهیان و کثرت موت
 دوزنان و کودکان و بسیاری اینها سیما در ناحیه مغرب و قلت طعام و شراب و تیزی بازار
 برده و اسلحه و دراب و رواج کاراقتس کاران و آمد و شد لشکران و خوف اهل قلم و اگر
 در جانب شمال بود فساد هوا و کثرت ارجیف باشد و اگر در جانب جنوب بود حسن مزاج
 هوا باشد (حلول عطار در برج ثور) دلالت کند بر اعتدال هوا و کثرت باد و جستن برق
 و طلب و خواست از رعیت و حدوث درد چشم در ولایت مشرق و مرگ اکابر و زیدان
 بادها و غلبه اینها و موت در میان اشراف و حسن مزاج هوا مایل بگرمی و فساد افش و حیوانات
 سم شکافه و اگر در جانب شمال بود خوبی هوا باشد و اگر در جانب جنوب بود هر سر کوب
 تشویش مردم باشد و سنجری و مکی گویند اختلاف مزاج هوا باشد (حلول عطار در برج
 جوزا) دلالت کند بر رونق دیوانها و قوت حال عمال و تجار و ترقی علماء و حکما و اهل تقیم
 و آمدن کاروانها و خبرهای نیک و گویند فتنه و زرد خورد میان اهل خافقین و سکان
 جانب شمال بود و هلاکت بعضی از اشراف و حدوث طاعون و دمل و جراحت دیش و میل
 هوا بگرمی و اگر در جانب شمال بود جستن بادهای گرم باشد و هبوب رباح و نم در
 بیابانها و اگر در جنوب بود خشکی هوا باشد (حلول عطار در برج سرطان) دلالت
 کند بر آبروی باد و باران بی نفع و در بعضی مواضع و حدوث رعد و برق و اعتدال هوا و
 غرق کشتهها و فتنه در ناحیه شمال و حدوث قروح و دما میل اکثر داطفال و قلت اطعمه و
 اشرب و فساد درختها و میوهها خاصه در جانب مغرب و نا ایمی راهها در آن جانب و اگر
 در طرف شمال بود حرارت هوا و کثرت سموم باشد و اگر در جنوب بود خشکی هوا
 همان بود (حلول عطار در برج اسد) دلالت کند بر خشکی هوا و حرارت و فساد
 درخت و میوهها و اندکی غله و نوازش یافتن اصحاب دیوان و عمال و تجار و اهل بازار
 از پادشاه و حکام و رواج صانعان و خرید و فروخت مرصعا و کثرت اسقام و اوجاع
 از سفره و زحمت شکم و علت مثانه و موت سیما در جانب مشرق و مرگ سیاه و سقوط
 اشراف و عطا از درجه اعتبار اگر در جانب شمال بود رباح خاره شدید باشد

در جانب شمال

در جانب جنوب

در جانب شرق

در جانب مغرب

بهرج دروزده کانه

و اگر در جنوب بود حسن و طیب مزاج بود (حلول عطار در درج سنبله) دلالت کند
 بر قوت حال فضلا و اهل دوا این و عمال و تجار مردم بازار و صفای هوا و هبوب نسائم
 و کثرت طعام و تربیت یافتن عمال و اهل دفا تراز ملوک و رونق شعرا و ندمان و حد
 اوجاع عیون و وقوع بلا یا بر اهل جنوب و شدت گرفتاریان جانب و اگر در جهت شمال باشد
 پوست هوا باشد و اگر در جنوب بود اعتدال هوا (حلول عطار در درج میزان) ^{شد}
 دلالت کند بر وفور اطعمه و داد و عدل حکام و رونق اصحاب صرفه و فقدان یکی از
 سلاطین و استمداد توانگران از درویشان و گوشه نشینان و کثرت و شدت رباح
 و خرید و فروخت در میان اهل تراز و رواج بازار البسه اقمشه و اگر در جانب شمال
 بود هرس گوید کثرت سخاوت و قلت امطار بود سخجری گوید کثرت رباح و میاه بود و
 موافق است خاسب یکی و سخجری اعتدال هوا گفته (حلول عطار در درج عقرب)
 دلالت کند بر سرما و باد ها ختک و مکر و فریب در میان مردم و بی نصافی و خیانت
 خلافت و فتنه در جانب مغرب و شمال و خرید و فروش اسلحه و اگر در جانب شمال بود
 خشکی هوا باشد خاسب یکی گوید ورود اخبار دریه باشد و اگر در جنوب بود طیب هوا
 باشد (حلول عطار در درج قوس) دلالت کند بر صلاح حال پادشاهان و فتنه
 میان اهل مغرب و جنوب و کساد بازارها و شدت سرما و جستن بادها سخت و زبانه
 در معاملات و حدوث امراض مختلفه و نا انصافان و خیانت کردن با یکدیگر و میل
 مردم بکسب علوم و تنزل اهل قلم و عمال و بیع برده و دواب و وقوع باریندی و امکا
 برف و کمی غلات و اگر در جانب شمال بود باد سخت جهد و اگر در جانب جنوب بود
 تغییر هوا باشد بحدت و سخجری گوید هوا اشفته گردد (حلول عطار در درج
 جدی) دلالت کند بر حدوث برف و باران و بادها سرد خاصه که راجع و محترق
 باشد و بیماری و موت کودکان و کثرت اطعمه و غلات و قلت عمل و سایر جهل
 و عزت لحوم و دسوم و فتنه در جانب مشرق و بیع دواب و محاسبه مزارغان و ضا
 نسقان و اگر در طرف شمال یا جنوب بود حسن مزاج هوا باشد هرس گوید بحد

و سنبله

در درج میزان

در درج عقرب

در درج جدی

تخویل عظام

اشیاء قدیمه بود (حلول عطار در برج دلو) دلالت کند بر خشکی هوا وقت طعام و اندوه مردم و انقلاب حال قامه و خرید و فروختن ادویه و عقاقیر و رسیدن اخبار از هر طرف و جستن بادهای سرد و کونیند ظهور ملخ باشد و اگر عرض شمالی بود پس هوا باشد و اگر جنوبی بود کثرت سحاب بود (حلول عطار در برج حوت) دلالت کند بر سلامتی بزرگان و بارندگی و فرج و سرور در مردم و ضعف حال عمال و متضررین و اطمینان خشکی هوا و وزیدن باد خنک و کثرت اراجیف بسیاری جزید و فروختن اجناس و ظهور حشرات الارض و اگر در جانب شمال بود هبوب ریاچ جنوبی و اگر در جنوب بود امتزاج هوا و کثرت ریاچ شمالیه باشد (تنبیه) عطار در هر برج که حلول کند و در آن کثیر المکت شود کیفیت متعلقه بان برج را در مزاج هوا بجز که آورد و بظهور رساند از آن غافل نباید بود (تنبیه) سید بنی لا هبیبی در کتاب لطائف الکلام آورده که عکس کوکب لیل ضعف و سستی بدلولات آن کوکب است خاصه که عکس در وبال و هبوط کند و عکس عطار در بحوث منوبات او را بغایت بداست و بارندگی و کدورت و تغییر هوا آورد و غرق وافت سفاین و تحیر ملاحان باشد (فصل هفتم در احکام انتقال قمر از برجی به برجی حلول قمر در برج حمل) دلالت کند بر فرج پادشاه زاده ها و سلامتی زنان حامله و رسولان و مسافران و کثرت امطار در وقت و نقصان طعام و ترس بیم مردم و اضطراب و جنگ و خصومت میان عوام (حلول قمر در برج ثور) دلالت کند بر افت غله خاصه جو و کثرت طعام و میوه و بسیاری ایمنی و فرج و ارزانی و صحت ابدان و امراض و کثرت امطار و بروق و شدت برد در وقت و بسیاری طعام و میوه و بزرگی جستن خوانندگان (حلول قمر در برج جوزا) دلالت کند بر کثرت طاعون در اماکن مستعد و معدوث امطار در وقت و رواج بازاریها و کثرت اخبار و افت غله سببها کندم (حلول قمر در برج سرطان) دلالت کند بر حرکت پادشاه و حکام و شادی قامه و اندکی باران و غلبه در وقت و افت جوانان و سلامتی مسافران و ارزانی فرخ و حرکت رسولان (حلول قمر در برج اسد) دلالت کند بر تردد خاطر کارداران پادشاه و تسلی دادن رعایا و انتظام مهمات ایشان

در حمل

در ثور

در جوزا

در سرطان

در میزان

در عقرب

در جد

و گفتگوی خلاق و کثرت منافع و فواید عامه و انتقال پادشاه از مکانی بمکانی و بسینا
 موت و فوت دواب (حلول قمر در برج سنبله) دلالت کند بر فوت حال دهاقین و
 کثرت و زان و سلاطین حیوانات و حیوانات و بسیاری آنها در وراج کسب کار اهل بازار
 و ارزانی ستور و حسن حال تجارت و کثرت امطار در وقت و وفور طعام و میوه (حلول
 قمر در برج میزان) دلالت کند بر عدل پادشاه و عزت زنان و کثرت موت در ریشانه و
 اندوه مردم و فریبستی کارها و فساد اطعمه و اشقی در ولایات و حدوث امراض
 و حزن در خلاق و ظم و وحشت الارض و در چشم از حرارت و طغیان دم (حلول
 قمر در برج عقرب) دلالت کند بر کثرت اندوه مردم و منازعه و فتنه و بسیاری و زدان
 و تعطیل و تاخیر در کارها و بیماری و کثرت آنها و حدوث بارندگی در وقت و شاید
 که مضرت بزراعت رساند (حلول قمر در برج قوس) دلالت کند بر تغییر حال اکابر و
 بدی احوال زنان و محنت خلاق و تغییر هوا و تخیر پادشاه و رنج مردم پارسا و ضعف
 حال دواب و عزت علماء و عظام و نقصان حیوانات و ضرر زروع و غلات (حلول قمر در
 برج جدی) دلالت کند بر اندوه عامه و محبوس مردم و حیرت رسولان و مسافران و بسیار
 دروغ و گوشت و طلاق و فراق میان ازواج و کثرت تناسل اغنام و بسیاری علف و گیاه
 در وقت (حلول قمر در برج دلو) دلالت کند بر توقف مهلمات و بارهای بی نفع و ظلمت
 هوا و پدید آمدن طغ در وقت و تباهی غله و وقوع باران در وقت و قلت خواهد مردم *
 (حلول قمر در برج حوت) دلالت کند بر سلاطین بزرگان و ارزانی و بارندگی در وقت و
 فرج مردم و وقوع سورها و تبیوم و امراض خفیه و سلاطین مردم از ان بزودی و ارزانی
 زخنها و حدوث باران در وقت و تباهی حال طيور و خصوصاً آنچه در آب مسکون دارند *
 (فصل هشتم در تحویل راس در برج حمل) دلالت کند بر قوت حال اشراف و ضعف حال
 عامه و فراوانی طعام و موت یکی از فرماندهان و تجدید بگری و وقوع کارهای نهبانه
 و بسیاری اجتا و عزت و ترقی مردم اصیل و بزرگ زاده (حلول راس در برج ثور) *
 دلالت کند بر قتل بزرگی در جانب شمال و کثرت اختلاف میان ملوک مغرب و اهل بادیه

کثرت

موت

کثرت

موت

کثرت

موت

کثرت

کثرت

موت

تحویلی راسن برج

دارزانی و بسیاری مواشی و وفور گیاه (حلول راسن در برج جوزا) دلالت کند بر بیماری و
 سلاطین و حکام از برودت و دیدگی و رسیدن اوقات بایشان و امکان زلزله بملا^{حظه}
 شواهد دیگر و ناسازگاری میان رعایا و حکام و دارا یا بان ملک و کمی بیماری و صفای هوا
 و بسیاری بار درختها و وزیدن بادهای معتدل (حلول راسن در برج سرطان) دلالت
 کند بر حسن افعال سلاطین و حکام با رعیت و جمع نمودن اموال و باز خرج کردن و کمره سود
 تجارت و مترم دین و بسیاری عمارت و مرمت و رطوبت هوا و بارانهای معتدل در وقت
 وحدوث صیاب و کثرت صیافت و شفقت در میان مردم (حلول راسن در برج اسد)
 دلالت کند بر آمدن بسیار در وقت و ارزانی طعام و حدوث صاعقه و فتنه و بیداری
 ظفر پادشاه بر دشمن و نیکی حال رعیت و تندرستی پادشاه و کثرت سرور و ظهور
 آفتها در هوا (حلول راسن در برج سنبله) دلالت کند بر فساد ذرع و غلات و
 افتادن گرم در میوهها و احتراق چیزها و تصرف ملوک در اراضی باره و خراب و آبادان
 و شجر ساختن و زراعت نمودن و عموم خیرات و برکات و سلامتی جویب و غلات و
 حدوث سرسام در میان مردم (حلول راسن در برج میزان) دلالت کند بر جور سلا^{طین}
 و بزور کان و بیداری ایشان بر رعیت و مطالبه نمودن نامقدور از مردم و غارت خانهها
 و کوبیدن قطع عضوها و کندن چشمها بود و بلندی مراتب زنان و رغبت پادشاه و
 باین طایفه و کثرت سرور و فرج زنان شریف و صحت خلایق و بلندی قدر یکی از علما
 (حلول راسن در برج عقرب) دلالت کند بر حدوث فتنه و غارت در ولایت مغرب و
 طلب ریاست در مردم سفله و سفیه و کثرت ظلم و جور و فتنه و ظهور ملخ در وقت و بیست
 زنبور و پشه و بکک در وقت و کثرت قروح و دماغها و خاصه در پیران و رسوائی زنان
 و ظهور فضایل ایشان و فتنه در میان عرب (حلول راسن در برج قوس) دلالت کند
 بر ظلم حکام عراق عرب بر رعایا و نزول اوقات بر کوسفند و کا و واسج سا پر چهار پان
 بار گستر که بچنگ و حرب او روند و حرارت هوا در وقت و انفعال پادشاه از مسکاتین
 بمکان و سقوط بعضی از مقربان پادشاه از درجه اعتبار و نیکی حال طلبه علم و افاض

جوزا
 سرطان
 اسد
 سنبله
 میزان
 عقرب
 قوس

تکون نوبت بروج

دلائل کند بر اضطراب حال پادشاهان وافت بعضی از ایشان و بیرون آمدن فرمایگان
و کثرت غوغا و طغیان ایما و تباهی میوه ها و نقصان کشت و زرع و اسکان زلزله بامدا
شواهد بگرو نقصان و حوش و افت سباع و مرگ کلاب و فرود (حلول ذنب در برج
سنبله) دلائل کند بر مرگ چهار پادشاهان و خشکی سال و سختی سرما و اندکی محصولات و
ارتقاعات و سوختن کشت و زرع و حرب میان دولشکر و خلاف میان مردم و غارت
کلیساها و عبادتخانه ها و کثرت تاخت و اسیر کردن و تعصب در بین و مذهب و مرگ
چهار پادشاهان (حلول ذنب در برج میزان) دلائل کند بر فتنه و راهزنی و بیاوردن
صعب و اوجاع عظیمه و مرگ چهار پادشاهان و نقصان انداختن زنگنه در وقت و خوف از
سغال و سرنام و بادها و سردیها و امکان طاعون و جور و ستم سلاطین با تو انگر
(حلول ذنب در برج عقرب) دلائل کند بر درد کرده و ممانه و اوجاع مذاکیر و عسر
البول و مرگ زنان از عسر وضع حمل و بسیاری بارندگی و فساد میوه ها از سردی و قوت
و تار یکی هوار فساد حیوانات ایبه و کوبند سر نام و برسام و علت سینه و نزله و ریش
و حرب بسیار باشد و شادی پادشاه و سلاطین از کمی شر و فساد در بادیه عرب و زمین
مجان و قطع طرق و زیان دزدان و فتنه ها و قتل های نهانی و کرایه باشد (تقبیه) تاج
الدین اگر گوید که اگر زحل در این برج بد ذنب رسد فتنه عام گردد و سردی بارندگی و برف
بسیار باشد در وقت چنانکه اکثری از چهار پادشاهان هلاک و سقط شوند و محط و تنگی
بظهور رسد و طواحین معطل شود و همه نایاب گردد و مردم از سرما مضرت بینند اما
حال همدان و آن نواحی بهتر از مواضع دیگر باشد (حلول ذنب در برج قوس) دلائل
کند بر مرگ بزرگان در بلاد سیما که منسوب بقوس باشد و حرص پادشاهان بر جمع کردن
اموال و کرایه در ولایات فارس و مرگ چهار پادشاهان و کمی بار و درختان و غزل بعضی از اهل
و تربیت یافتن دونان و فوت بندگان و مرگ در فقها و دانشمندان (حلول ذنب در
برج جدی) دلائل کند بر بیماری و مرگ و وقوع زلزله و خرابی ابنیه و بقاع و تنگی و سختی
سرماد در وقت و بی بضاعتی و افلاس مردم (حلول ذنب در برج دلو) دلائل کند بر کثرت

سنبله
میزان
عقرب
قوس
جدی
دلو

طلب پادشاهان بغير حق از رعایا و اضطراب حال سلاطین و خروج فریبایگان و مقهور
 شدن و افتادن از تاروساير كرنندگان و كثرت فتنه و آشوب (حلول ذنب در برج حوت)
 دلالت كند بر غرق كشتیها و بسياوی برهت در وقت خرابی خانها و فساد غله و مرگ
 ماهیان و خروج لشكر بر سر داران خود و تسلط ایشان و اوارگی فریباندها از مملكت
 و در دل شدن چاكران و ملازمان و مناقشه در دین و مذهب ظهور مدعیان و تفرق
 مردم و خلاف جهال پاداشمندان (تنبيه) حكیم فاضل محی الدین مغربی آورده كه
 انتقال جوهر و ذنب در هر يك از برج دال است بر آفات در بلاد و امصاران برج
 خاصه كه جوهر یا نفس و ذنب با سعد باشد و حلول احدهما در مثلثه ناریه دلیل
 بر حدوث آفت در دواب كلیها و در مثلثه ارضیه ركا و وكوسفند و محصولات و قلاع
 و حصون و در مثلثه هوائیه دلالت كند بر كثرت موت در آدمیان و وحوش و در مثلثه
 مائیه حدوث آفت باشد از قبیل آب و جوهر اقل ضرر است از ذنب (تنبيه) حاشی
 گوید اگر زحل نزول در منزل نثره كند بلا بعالم عراق رسد و ذلیل گردند و اگر نزول
 بغفر كند قتال و شدت در زمین عراق روی نماید و اگر نزول بجهه كند مرگه كا و حیوان
 وحشی باشد و اگر علوین با كلیل و قلب شوله نزول كند در مشرق و مغرب عالم
 طاعون و موت لاحق مردم شود و قتال نیز واقع شود و بلا و جلاهی عام باشد و
 و عظام بقتل رسند و مردم سفله قوت گیرند و بلند قدر شوند و اگر تخمین بشرطین
 كند كوسفند و شتر را ضرر رسد و زنان را آفت رسد و اگر نزول بیطین كند
 پادشاه بادوستان و اهل امانت خود عذر كند و شعبه پادشاه را شتر شدیدی رسد
 و اگر نزول بدبران كند ملوك و عظام را ضرر رسد و اگر نزول بذراع كند اهل جبال
 شتر عظیم لاحق گردد و باران كثر آید و سباع و وحوش را موت و آفت رسد و مردم
 بگدایی بفرمایند و اگر نزول نثره كند فصل انسان و حیوان تزیاید گردد و اگر نزول
 بطرفه كند اهل مشرق را ضرر رسد و اگر نزول بجهه كند باد میثا ضرر رسد و اگر
 نزول بزیره كند از انشهر ریبود و اگر نزول بصرفه كند بملوك ضرر رسد و اگر

حاشی

تنبيه

تنبيه

نزول

در احکام رجعت استقامت ظهور و خفا و تشریح و تغریب

نزول بسما که کنند حدوث امطار نافع باشد و اگر نزول بزبانها کنند رنج و تلوح باشد
 در وقت و اگر نزول بقلب کنند بسکان سواحل ضرر رسد و اگر نزول بشوله کنند بکثیر
 از مردم ضرر رسد سیما جوانان و اگر نزول بنعام کنند تهیج رنج باشد و اگر نزول ببلده
 کنند ضرر مردم باشد و اگر نزول بسعد ذابح کنند میان ملوک و امراء فتنه و کثرت شر
 باشد و اگر نزول بسعد بلع و سعد سعو کنند صرع عارض مردم شود و اگر نزول
 بموخر کنند بعلما ضرر رسد و نیز گویند اگر سعدین نزول بشرطین کنند هیچ رنج باشد
 و در ثر با ملوک و تبعه ایشان تراشند فاقه رسد و در در بران رنج عاصف و زرد و سیاه
 شکاری را ضرر رسد و تلف شوند و در نثره بر مردم شر و ضرر واقع شود و در مثر
 اهل مدن و خری را ضرر رسد و اموال ایشان تلف شود و هلاک و فساد خلایق باشد
 و در عوایکی از عظمای بزرگی بپسند و در سماک اصحاب نجوم و اهل ادیان را مخاطره
 رسد و کثرت امطار و در سیول مخرب باشد و رنج عاصف و زرد و در اکلیل کثیر از مردم
 ضرر رسد و بقتل رسند و در قلب نیز ضرر خلایق باشد و در شوله در میان خلوق قال
 افتد و در بلده شر کثیر واقع شود و بر مردمان مرض رسد و مردمان تلف شوند و رنج
 اهل سحر و جادو را مرض عارض گردد و در سعود حرب حادث و موت عارض شود
 کثیر هلاک شوند و عداوت در میان مردم شایع گردد و در موخر هر کس متولد شود
 ضرر و آفت بیند و در زیاسکان سواحل راجعت رسد (باب چهارم)
 در احکام رجعت استقامت ظهور و خفا و تشریح و تغریب کوکب متعینه (و ان مشتمل
 بر سه فصل (فصل اول در احکام رجعت کوکب) بدتر حال کوکب و بعد از احترا
 رجعت است چنانکه هر سه حکیم در کتاب هشاد و پنج باب فرموده که کل کوکب اذا کان
 راجعاً کانت دلالتها في خلاف الامر الذي برادله وان کان مستقیماً فدلالة صحیح و ایضاً
 ابو معشر در کتاب مختصر الاسرار آورده که الدلیل اذا کان مقیماً دل علی ثبات الامر
 رکوده خیر او شر او ان کان راجعاً دل علی نقصه ان کان مستقیماً دل علی استقامت
 و در موشی دیگر از آن کتاب میفرماید که الکوکب اذا کان فی هبوط ذهبت نصف قوته

در احکام رجعت

وان كان راجعا ذهب توتة كلبا وابنه ابو محمد فرغوى در كتاب كفاية التعلیم كويد كوكب
 در حال رجعت بمنزله بیماری گرفته اند مضطرب با بجران چنانكه بیماری با بجران را پنج وقت است
 هم چنین رجعت را پنج وقت است و اول آن اوقات وقت اقامت است بجهت رجعت چون وقت
 ابتدای بیماری نفس وقت رجعت است و وقت ترا بد بیماری وقت میان رجعت است
 چون وقت انتهای بیماری و وقت رجعت دم است چون وقت انحطاط بیماری و وقت
 اقامت از برای استقامت است چون وقت نقصان بیماری و مقابل علو بین با فتاب و احراق
 سفلی در میان رجعت بمنزله روز بجران قوی است (تنبیه) مراد از رجعت اول آنستكه كوكب
 در میان مقام اول و نقطه حیض مرتبه بوده باشد و مراد از رجعت دوم میان حیض و
 ثانی بوده باشد و زردشت حکیم كويد كه رجوع الكواكب العلوية الاول من حين رجعة
 الكواكب الى ان يبلغ نصف رجات رجوعه و رجعة الكواكب السفلية الاول من حين رجوع
 الى ان تجاوز الشمس مشرقا فيرى في المشرق و رجوعه الثاني من وقت رؤيته في المشرق الى ان
 يستقيم انتهى كلامه (احكام رجعت زحل در برج اشتر عشر) رجعت زحل مطلقا دلالت
 کند بر ضعف حال پیران و مزاج غان و ارباب خاندانهای قدیم و فراخی طعام و کساد حیوانات
 و حرکت عساکر و انتقال مردم الاوطان و خسارت اهل قلاحت و موت مجاز و اوارگی اکرا
 و اهل جبال (رجعت زحل در برج حمل) دلالت کند بر جدت و ضعف و نازل و بسیاری
 رعد و برق و صاعقه (رجعت زحل در برج ثور) دلالت کند بر کثرت غم و هم در علو و
 موت یکی از عظام دولت و کدورت قضاة و نقصان خراج و اضطراب لشکریان و قتل
 در میان ایشان و ظفر پادشاه و کثرت اراجیف خاصه در ناحیه جنوب و خزن اهل منا^ص
 و بنادر پیران (رجعت زحل در برج جوزا) دلالت کند بر خشکی هوا و نقصان آنها^ص
 در قنوت و صیون و عرض دیدن پادشاه اسباب خزان و بیوتات و قیمت کردن
 لشکریان و مستحقان (رجعت زحل در برج سرطان) دلالت کند بر مرگ مردی^ص
 و زیاده شدن آب انهار و نقصان آب چشمها و بادها سخت و بسیاری باران و کدورت
 یکی از فرماندهان بلاد سرطان (رجعت زحل در برج اسد) دلالت کند بر موت^ص

دومین کوه کوه کوه

رجعت زحل

و بیماری سفلیکان و ناکان و وبا و قساد هوا و جستن باد سموم و حرارت هوا در وقت
 و فساد میوهها (رجعت زحل در برج سنبله) دلالت کند بر بغض و عداوت میان
 ملوک و ولایه مملکت و رعایا و هزیمت پادشاهان جانب جنوب بولایت دیگر و جود
 و ظلم فرماندهان (رجعت زحل در برج میزان) دلالت کند بر امراض متداوله بسیار در
 دل و گوش و دهان و مریک بندکان و کینزان و سقم مزاج و قلت استواء ابدان و تنبلی
 غم و حزن (رجعت زحل در برج عقرب) دلالت کند بر کثرت اراجیف و اضطراب عامه
 و صعوبت کارها و غضب پادشاه و بسته شدن کارها و بیوست هوا در شواری مهتاب
 و بسیاری ظامون در ولایت دارالمز و برجها (رجعت زحل در برج قوس) دلالت کند
 بر قلت کرایه طعام و فتنه و آشوب در میان بندکان و مردم سفله (رجعت زحل در برج
 جد) دلالت کند بر حدوث تشویش در عالم و اضطراب و تفرق اموال مردم و وقوع محرم
 و مضرت رسیدن خلافت و کثرت مصادره و منازعه در میان مردم و نثار کازی *
 (رجعت زحل در برج دلو) دلالت کند بر غم و عظمت و شدت برد و کثرت تلویح در وقت
 و بی نای مردم و هلاکت یکی از بزرگان و اهل شرف (رجعت زحل در برج حوت) دلالت
 کند بر موت مردم شریف و اهل درع و قید (احکام رجعت مشتری در برج اشتر)
 رجعت مشتری مطلقا دلالت کند بر حیرت و زراء و مدبران و علماء و اشراف و مسقی مردم
 در کارها خیر و عزت طعمه و بستگی کار بزرگان و اهل ناموس و تغییر در فوائد و قوانین
 و ارسال رسل و رسائل میان پادشاهان (رجعت مشتری در برج حمل) دلالت کند
 بر هیجان اعادی بر پادشاه و خروج خوارج و افنادن زبانها و ضرر و جمع مدلولات
 مشتری مثل وزراء و سادات و علماء و فقها و اشراف و قضایه و ازبانات برنج و نخود و
 جو و کدوم و بعضی میوهها و اذیت طهور و ابو معشر که بد سود تجار باشد (رجعت مشتری
 در برج ثور) دلالت بر ظهور خوارج و مدعیان پادشاه و خشم ملوک و بسیاری
 بیم و ترس در مردم (رجعت مشتری در برج جوزا) دلالت بر کثرت اراجیف و مکر
 و غدر و غرق کشتیها و تنگی و دشواری راهل کسب و خطر مردم از طغیان الب *

احکام رجعت مشتری
 در برج اشتر

(رجعت ششم در برج سرطان) دلالت کند بر موت شخصی عظیم الشان ازان و کدورت عامه
 و اندوه مردم (رجعت ششم در برج اسد) دلالت کند بر نقصان مزارغان و هلاکت
 یکی از وزرایا کتاب و منشیان و قلت باران و کدورت عامه و اندوه مردم (رجعت ششم
 در برج سنبله) دلالت کند بر موت شخصی عظیم الشان و حزن پادشاه ازان و کدورت
 عامه و اندوه مردم (رجعت ششم در برج میزان) دلالت کند بر نکاح کردن پادشاه
 که غیر حسب حکم طلاق داده باشد و کوبیدن زن نیز از نژاد ملوک بود و افتادن خلل در
 رای سلاطین و فرماندهان (رجعت ششم در برج عقرب) دلالت کند بر قلت باران و
 کثرت بادهها سخت اکثر در جانب شمال (رجعت ششم در برج قوس) دلالت کند بر کثرت
 طعام و باز ایستادن مردم از تزاج و غضب شادی و خوشحالی و هیبت از عدل پادشاه و
 بسیاری میوهها و کثرت باران (رجعت ششم در برج جد) دلالت کند بر تشویش پادشاه
 و جلای رؤسای نیکت در راه و کتاب و اهل انشاء و برهم خوردن رعایا و عوام الناس *
 (رجعت ششم در برج دلو) دلالت کند بر حد و مرز را بدان بعضی از ملوک و سلاطین
 و فرماندهان و معطل شدن عضوی یکی از پادشاهان و مرگ و سنجی در میان مردم (رجعت
 ششم در برج حوت) دلالت کند بر کثرت ضرر و بیماری در میان مردم و علت در اعالی
 ابدان و خلل و فساد در اکثر امور و کارها و مرگ بعضی از اکابر (احکام رجعت در برج
 در برج اثنی عشر) رجعت در برج مطلقا دلالت کند بر فرزندانی که امراء و سران سپاه
 و ارباب سلاح و گرفتاری در ازان و راه زنان و کساد بازار اسلحه و ستور و تعطیل و بطلان
 لشکریان و پراکندگی و جلای وطن ایشان و بیماری اترک (رجعت در برج حمل)
 دلالت کند بر طغیان حرارت در طبایع و مضرت ازان و تکلیف و حزن و مصیبت مردم
 و قلت و کراهی اسعاف و آماز و در طرف شود و علت در دسر و چشم پدید آید و افش
 بره و سایر حیوانات کوچک بود (رجعت در برج ثور) دلالت کند بر تلف شدن
 و سقط بهانم و در آید بیماری جوانان و کودکان و بد حالی اترک و سپاهیان *
 (رجعت در برج جوزا) دلالت کند بر شیوع مرض و جدت در اطفال و جوانان

کتاب در بیان
 و تفسیر این
 احکام

مرجعت مرتیج

ووجع و نفخ در دستها و کفنها و تاج الدین اکرم گوید بر مذاهب کشتهها استخفاف کنند
 (مرجعت مرتیج در برج سرطان) هر من گوید موت یکی از اعیان و معارف پادشاه باشد
 و سفری و مغز و مکی گویند هوا کرم و فاسد گردد در بواری و فیانی سموم و زرد و
 تاج اکرم گوید فساد اشکارا شود و مردم بر یکدیگر جور و تعدی کنند و رای امر و حکام
 فاسد گردد (مرجعت مرتیج در برج اسد) دلالت کند بر حدوث فتنه و قتال در زمین
 روم و حسد و اضطراب در میان سکا از آن مرز و بوم تاج اکرم گوید بیماریها محرق و مهلك
 حادث گردد و فتنه و آشوب باشد خاصه در مملکت خراسان (مرجعت مرتیج در برج سنبله)
 دلالت کند بر غارضا خفیفه بر پادشاه و خشکی هوا و تاج اکرم گوید مثل برج اسد باشد
 (مرجعت مرتیج در برج میزان) دلالت کند بر موت شخصی عظیم الشان و میکند که بجاه باشد
 و نیز در میان خلائق موت فجاء حادث گردد (مرجعت مرتیج در برج عقرب) دلالت کند بر
 عرض در پادشاهی بسبب سموم و مهلكات چنانکه خوف تلف باشد و بدخالی مسافران و
 اشتغال و میل مردم بصدقات (بقیه) در بعضی کتب از جانا سب حکیم چنین نقل کرده اند
 و ترجمه آن بدین نوع آورده اند که صاحب دور القمرکان من العرب و القرآن الذی وقع فی
 برج العقرب و این حکم مقرون بصواب آمد و پیغمبر صلی الله علیه و اله در حوالی قرآن علوی
 در برج عقرب معوث شد بنا بر این اکابر سلف عقرب را برج ملت اسلام گرفته اند و ابو
 علی بن احمد جراثیم همدانی و صاحب طالع بد مشرفی النجوم نقل کنند از بزرگان اهل احکام که جا
 باشد اندر تاثیر این کواکب که بر آن حکم کنند و نگاه باید داشتن و آن رجوع مرتیج است در
 برج عقرب که آن برج ملت اسلام است که رسول ما محمد صلی الله علیه و اله بدانوقت پدید
 آمد که قرآن بعقرب افتاد پس هر آن سال که مرتیج در برج عقرب راجع شود امام مسلمانان در
 متغیر شود و اندر مکه و باده عرب آشوب و خلاف و اضطراب پدید آید و عالمان و فقها
 بیماری و مرگ افتد و عبادتخانهها و مسجد ها ویران شود و در دین اسلام خلل افتد و
 و محراب تغییر یابد و در بعضی نسخ کوشیار نیز این مضمون بنظر رسیده و محمد بن یحیی
 و محی الدین اناری نیز در مصنفات خود در این باب اشاره نموده اند و بالجمله بجزیره قناری

نسیح

بناشد

رجعت مرتجع در عقب

یافته اند و حکم بر این جاری ساخته اند که هر سال که مرتجع در برج عقرب راجع شود بیک از
 مذاهب اسلامیه دخل رسد خواه از فرق باطله یا فرقه ناجیه و الیس اسکندران و ماشاء
 مصری و دیگر حکما روایت کرده اند که در زمان خلافت اسد الله الغالب امیر المومنین علی
 بن ابی طالب صلوات الله علیه مرتجع در برج عقرب راجع شد در همان سال آنحضرت فرزند
 الکعبه گفته میان حظایر قدس شتافت و بنی امیه قوت یافته و مسلط شدند و در زمان
 هشام بن عبدالملک و هم چنین در عهد مروان بن محمد که از خلفای بنی امیه بودند و اهل
 آن زمان ایشان را امام و حامی اسلام میدانستند مرتجع در برج عقرب راجع شده بود که
 در همان سال به بنس المصیر انتقال نمودند و یهود و نصاری قوت گرفتند و بعضی از دنیا
 اسلام را محیطه تصرف در آوردند و عمر بن عبدالعزیز باین دلیل جهان فانی را وداع نمود
 و آنچه در ایام حیوة از قوانین دین مبین باصلاح آورده بود باز مر و انیه بفساد آوردند
 و در زمان متوکل عباسی نیز مرتجع در برج عقرب راجع شده بود که با عنوای پسرش نصر
 تیغ ابدار بدار البوار پیوست و پسر نیز بعد از ششماه از عقب پدر روانه شد و کفار
 از آن خرابی بسیار در اسلام کردند و آنچه در زمان ما روی داد آن بود که در حوالی سنه
 هفتصد و شش هجریه رجعت مرتجع در برج عقرب دست داد و اینجانب بجمع اکابر و صاحب
 خراسان رسانیدم که در مذهب بغیری ممکن است اتفاقا قبل از آن بدو ماه عبدالله خان
 از بن لشکر خراسان کشیده هرات را محاصره نمود و بعد از نه ماه بر قلعه دست یافته
 بقتل عام فرمان داد و مردم از مذهب امامیه بیرون آمده در عبادان و معامدان تقیه
 عمل بمذهب ابوحنیفه نمودند و بعد از آن پسرش شهید مقدس را محاصره کرده در اندک
 فرصتی دست یافته نهب و غارت اشاره نمود و بسیاری از علما و فضلا در آن قضیه بقتل
 رسیدند و سنه یک هزار و سی هجریه مرتجع در عقب راجع شد بعد از تفکر و تدبر بسیار
 از ضعف و بتاهی حال مشرک در آنوقت بخاطر رسید که شخصی از علما فوت ^{شد} و از آن ^{هنگام}
 بمذهب راه یابد و چون افضل و اکمل و افقه از زمان مشیخ بها، الدین العاقلی رحمه الله
 ظن فقیر غالب آمد که جناب شیخ الاسلامی رخت حیوة از دار فانی بدار باقی خواهد کشید که

رجعت مریخ

در قصبه اشرف که آن مضافات ولایت مازندران است این قضیه بعرض پادشاه ظل الله در آنجا
 وگفتم که درین باب دغدغه بخاطر اشرف رسد که طالع این دولت قوی است و نوعی دیگر نمیتواند
 شد از قضا بعد از چهار پنج ماه حضرت شیخ مریم شده و در عرض یک هفته بر حمت از دی سبزی
 و در همان سال شیخ محمد بنیر شیخ زین الدین که در کمال زهد و علم بود و جماعتی کثیره اجتهاد
 او را در مذهب امامیه قبول و اذعان نموده بودند و در ولایت حجاز از دار حجاز به سالم
 حقیقتا انتقال نمود و نیز در همان سال قیصر روم سلطان عثمان لشکر بر سر فرنگیان
 کشیده در آنوقت که خبر آن عزیمت در ایران انتشار یافت بعرض اشرف رسانیدم که
 فرنگیان غالب خواهند شد اتفاقا در آن غزاشکت یافته مغلوب و منکوب مراجعت نمود
 (بنیه) اسنادی ریحان بیرونی از برامه هند نقل کرده است که هرگاه اقیاب نقطه
 اول حمل واصل شود و قدر در منازل زهره باشد یعنی بطین و در بران و عوا و لخبیه در آن سا
 اگر میان اهل اسلام و شرک جنکی افتد مشرکان فائق آیند فلترجم الی ما کتاب بصدره
 (رجعت مریخ در برج قوس) دلالت کند بر کثرت بلا و ضرر بر روز را و کتاب و عروض
 و فساد و عروض بهر فرد در دسینه (رجعت مریخ در برج جد) دلالت کند بر نا اسی
 کارهای مردم و فساد مزاجها و عروض غموم و هموم در خلافت و مرکز اشرف و در کج
 سپاهیان و فساد حیوانات و کژدم و جستن باد سموم (رجعت مریخ در برج دلو)
 دلالت کند بر خروج جمعی از رعایا که پادشاه را از آن فکر و بیم دست دهد و میوه را از
 باد ضرر رسد (رجعت مریخ در برج حوت) دلالت کند بر حزن پادشاه و کدورت
 و اضطراب خلایق و نقل یکی از پادشاهان از مکانی بمکانی و از مامن بالضروره جدا
 شدن و نا امید مردم و نجاج اگر گوید فائده و منفعت مردم و تندرسی تا (بنیه) حکم
 فاضل و راصد کامل محی الدین مغربی فرموده که رجوع ثلثه علویه در وقت واحد دلالت
 واحد دلالت کند بر تغییر دولت و موت ملوک و در سنه هزار و هشتاد و هجری این وضع
 روی داد چون طالع مملکت بلخ و ولایت مرو بطول نحسین در آنوقت منحوس شده
 بود بعرض پادشاه ظل الله رسانیدم که در این دو ولایت تغییر دولت ممکن است اتفاقا

تنبیه

مرجعت زهره

در آن حین نورم خان ولد جلال خان اوزبک که از قدیم الایام ابا عن جد و المهر و بود از خوف خدا لله خان پناه بدرگاه عرش شهباه آورد و بناید این دولت ابد پیوند بان در دارالملک مومکن یافته عصیان ورزید شاه عالم پناه لشکر بر سر او کشیده او دستگیر نمود و با اهل و عیال ببعثت ولایت فارس فرستاد ملک مرد و مضافات آنرا جز ممالک محروسه پادشاهی نمود و حاکم بلخ ابراهیم محمد خان بعد از آنکه زمانی بمرض جدی از این جهان فانی در گذشت و نانی سلطان ولایت ماوراءالنهر فرصت یافت بلخ و مضافات آنرا تصرف شد (احکام مرجعت زهره در برج اشقی عشر) و رجعت زهره مطلقاً دلالت کند بر تباهی حال خواتین و بیرون رفتن زنان و مطریان و خواجه سراهای و اهل ساز و طرب و ساده رویان و حدوث مرض در میان این طائفه و قلت فوائد و صنایع ایشان و حدوث باران در وقت (مرجعت زهره در برج حمل) دلالت کند بر تعدد و بربوبان و سرما و کثرت اراجیف (رجعت زهره در برج ثور) دلالت کند بر تشویش و اضطراب در میان مردم و ناسازگاری خدایق و ظلم بعضی بر بعضی بسیار در میان اصحاب ملاهی و اندوه سلاطین و حکام و قلت برد و کثرت عدد و برق فاضل یکی حکم بصغوبت برد کرده است (مرجعت زهره در برج جوزا) دلالت کند بر حرارت و سیوست هوا و اضطراب ناشیکلیه مردم (مرجعت زهره در برج سنبله) دلالت کند بر موت یکی از اهل حرم پادشاه یا یکی از خدمت حرم و مطالبات نامقدور از رعایا (رجعت زهره در برج اسد) دلالت کند بر وقوع احزان و ضرر پادشاه و فرماندهان و زنان ایشان از آفت و عکس دیده بینند (مرجعت زهره در برج سنبله) دلالت کند بر بیماری مردم و بیخ مردم خصوصاً زنان ملوک (رجعت زهره در برج میزان) دلالت کند بر موت یکی از خواتین معطره خاصه از منسوبان پادشاه (رجعت زهره در برج عقرب) دلالت کند بر اضطراب و برهم خوردگی مردم و بی ثباتی رؤسای در کارها و کثرت اراجیف (مرجعت زهره در برج قوس) دلالت کند بر حدوث امراض بسیار در جبال و هلاک بعضی از اشراف (رجعت زهره در برج جدی) دلالت کند بر تشویش مردم و بیماری غم و هم

مرجعت زهره در برج اشقی عشر

رجعت عطار

واخزان و کثرت امراض و علل در پیران و وقوع موت و مرگ ایشان (رجعت زهره در برج
 دلو) دلالت کند بر حدوث غم و هم بر زنان و ارباب عنا و ملاهی و عروضا امراض در مردم
 از رطوبت و بسیاری درد شکم و فی کردن و کثرت باد و یارندگی و کوبیدار میدگی هوا
 و سلامتی مسافران بود (رجعت زهره در برج حوت) دلالت کند بر کثرت ارجیف و
 اضطراب و تشویش در میان مردم و حدوث بیماری و جرع و فرج (احکام رجعت عطار
 در برج اثنی عشر) رجعت عطار در مطلقا دلالت کند بر ضعف حال اطبا و مجتبان و
 عمال و کساد بازارها و اختلاف هوا و هراس در مردم و سهو و معالجات مرضی و احکام
 نجوم و خسارت کتاب و اهل قلم و محو بیداران و ارتفاع ضبار و درخان و کثرت باد و کدر
 فضلا و ارباب سواق و معظم رعایا (رجعت عطار در برج حمل) دلالت کند بر اینها
 کتاب و اثار اسباب ایشان و صنایع و حدوث مرض حصه و جدی اکثر اطفال و
 بسیاری ارجیف (رجعت عطار در برج ثور) دلالت کند بر صحت استوار هوا
 و صلاح حال کتاب پادشاه و حواشی و خدم پادشاه و هول و دلشکی مردم و بیماری دوا
 (رجعت عطار در برج جوزا) دلالت کند بر خوف و اضطراب کتاب و اهل سیاق و سیاق
 غم و هم در میان ایشان و اینها یافتن و حدوث کراهت و تغییر در رسوم و امور و ناشکیبائی
 مردم (رجعت عطار در برج سرطان) دلالت کند بر حدوث امراض و هلاک و تلف
 رجال از اشراف و اعیان و طلب خراجها بسختی و گرمی هوا و مهوم (رجعت عطار در برج
 برج اسد) دلالت کند بر کثرت اخزان و تشویش در ملوک و ظهور جسد مستم در و کایا
 روم و تخلیطات در امور و بدخالی مردم و آفت زنان ملوک (رجعت عطار در برج
 سنبله) دلالت کند بر کثرت ارجیف و معظم بلاد و اضطراب در کار ملوک و سلاطین
 و امور ملکی و بیماری در خواتین و منظر و خشکی هوا (رجعت عطار در برج میزان)
 دلالت کند بر منفعت عامه و عزت ایشان نزد پادشاه و بیماری زنان و تباهی حال ملوک
 و اضطراب در اهل ملاهی (رجعت عطار در برج عقرب) دلالت کند بر تشویش
 لشکریان و سپاهیان و اندوه اکابر و انقلاب احوال اعیان (رجعت عطار در برج

رجعت عطار
 در برج جوزا